

بیداری نسلیم اخلاقی

نیم سید غلام

www.ketab.ir



پدیداری نهیلیسم اخلاقی

میشم سفیدخوش

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شعبه اصفهان

• رستاره: فریبرز راهدان مفرد

• چاپ: نگارش

• چاپ اول: بهار ۱۳۹۳

• شمارگان: ۱۰۰ نسخه

• قیمت: ۷۰۰۰ تومان

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: اصفهان، خیابان حافظ - پلاک ۱۱۱ - انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه

علمیه قم - شعبه اصفهان.

تلفن و دورنگار: ۰۳۱۱-۲۲۳۶۷۶۰

مراکز پخش:

۱. اصفهان، تلفن: ۲۲۲۰۳۷۰

۲. قم، تلفن و دورنگار: ۳۷۷۴۳۴۲۶

۳. تهران، تلفن: ۶۶۹۵۱۵۳۴

وبسایت: www.morsalat.com پست الکترونیک: info@dtc.ir

سفیدخوش، میثم، ۱۳۶۰ -

پدیداری نهیلیسم اخلاقی / میثم سفیدخوش و فریبرز راهدان مفرد.

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شعبه اصفهان، ۱۳۹۳.

۳۸۴ صفحه

۹۷۸۰۶۰۰۷۰۲۹-۲۰-۳

۱۷۰۰۰۰ ریال:

فیبا.

کتابنامه: ص. [۳۵۵] - ۳۷۰.

نمایه.

نهیلیسم

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شعبه اصفهان.

۱۳۹۳ پ ۷/۳/۸۲۸ B

۱۴۹/۸

۳۷۲۹۰۶۹

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست‌نویسی:

یادداشت:

یادداشت:

موضوع:

شناسه افزوده:

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

فهرست مطالب

۹.....	سخنی با خواننده.....
۱۱.....	پیشگفتار.....
۲۲.....	افزوده.....

فصل اول: کلیات

۳۲.....	سخن مشهور اروپا و سیع تطور اصطلاح نیهیلیسم.....
۳۳.....	نتایج یک پژوهش تاریخی در تطور اصطلاح نیهیلیسم.....
۶۳.....	وجه مشترك معانی نیهیلیسم.....
۶۴.....	نتیجه‌ی بحث تطور تاریخی اصطلاح نیهیلیسم.....
۶۵.....	تعاریف عمومی نیهیلیسم.....
۶۸.....	سطوح نیهیلیسم از نظر کارن‌کار.....
۶۹.....	شیوه‌های بروز نیهیلیسم.....
۷۱.....	پی‌نوشت‌های فصل یکم.....

فصل دوم: نیچه: منادی و منتقد نیهیلیسم اروپایی و پیشگام نیهیلیسم مدرن

۷۵.....	نیچه: فیلسوف فرهنگ و نقاد ارزش‌های اخلاقی.....
۸۳.....	نیچه در کار تعریف نیهیلیسم اروپایی و نقد آن.....
۱۰۴.....	نیچه در کار برسازی نیهیلیسم تمام عیار.....
۱۲۰.....	پی‌نوشت‌های فصل دوم.....

فصل سوم: نیهیلیسم اخلاقی به زبان ادبیات: رو به سوی دوره‌ی پوچی

- الف) روایت ادبیات روسی از نیهیلیسم اخلاقی و تأثیرش بر آن ۱۲۱
- ۱- تورگینف: ترسیم کشمکش پدران اخلاقگرا و پسران نیهیلیست ۱۲۲
- ۲- داستایفسکی: تصویر و تصویرگر روح سرگردان انسان روسی ۱۳۳
- ۱/۲- تجربه‌ی نیستی، شکست‌گرایی شبه مسیحی، فاعل اخلاقی چندلایه ۱۳۵
- ۲/۲- جواز نیهیلیسم اخلاقی برپایه‌ی ارزیابی داستایفسکی ۱۵۶
- هـ- نیهیلیسم نهوت‌پرستان: ۱۵۷
- ب- نیهیلیسم - ت،ستان: ۱۵۹
- ج- نیهیلیسم در منفک‌انه و سوسیالیستی: ۱۶۲
- ب) عصر پوچی ۱۶۲
- ۱- فرانتس کافکا ۱۶۳
- ۲- ژان بل سارتر ۱۷۲
- ۳- آلبر کامو ۱۸۱
- بی‌نوشت‌های فصل سوم ۱۹۰

فصل چهارم: نیهیلیسم اخلاقی در وضعیت پست‌مدرن

- الف- ظهور پست‌مدرنیسم به موازات دوره‌ی پوچی ۱۹۳
- ۱- مفهوم وضعیت پست‌مدرن ۱۹۳
- ۲- جامعه‌ی پست‌مدرن، توده‌ها و نیهیلیسم ۲۰۰
- ب- فیلسوفان پست‌مدرن و نیهیلیسم اخلاقی ۲۰۷
- ۱- هیدگر و پیگیری نظریه‌ی انقلاب ارزش‌ها ۲۰۸
- ۲- ژاک دریدا: بنفکنی مبنا و منطق اخلاق ۲۳۳
- ۳- ژان بودریار: انقلاب ساختاری ارزش و حاکمیت متافیزیک ۲۴۳
- جمع‌بندی پایانی فصل ۲۴۹

بی‌نوشت‌های فصل چهارم ۲۵۰

فصل پنجم: نظام‌سازان پهنه‌ی اخلاق و رویارویی با نیهیلیسم

دسته‌بندی عمومی رویکردهای تقادانه به نیهیلیسم ۲۵۱

۱. رویکردهای سنتی ۲۵۸

۱/۱. نظرگاه سنتی ادیان ابراهیمی ۲۵۸

۱/۲. نظرگاه پارمنیدسی افلاطون ۲۶۱

۱/۱. راهکار تعالی‌جویانه‌ی افلوپین ۲۷۲

۲. رویکرد صرف نظام‌سازان اخلاق در جهان جدید ۲۷۴

۱/۱. راهکار سانس‌گرانه‌ی کانت ۲۷۵

۲/۲. راهکار پدیدارشناسانه‌ی هگل ۲۸۴

۲/۲/۱. مفهوم ذاتی و روش‌های پرسش از معنای آن ۲۸۷

۲/۲/۲. وضعیت‌های نیهیلیستی و شبه‌نیهیلیستی در پدیدارشناسی ۲۹۰

۲/۲/۳. راهکار پدیدارشناسانه در مواجهه با دشواری نیهیلیسم ۲۹۸

۲/۳. راهکار اراده‌گرایانه‌ی شوپنهاور ۳۰۶

۲/۴. ماکس شلر: اثبات ارزش ارزش‌ها و پایداری منطقی دل ۳۲۰

بی‌نوشت‌های فصل پنجم ۳۳۱

فصل ششم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پایانی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۳۳۹

فهرست منابع ۳۵۵

نمایه‌ها ۳۷۳

سخنی با خواننده

نخستین بارقه وحی - که سرآغاز تمدن شکوهمند اسلامی بود - سخن از خواندن داشت، و خداوند «آموزشگر»، که قلم در کار می‌کند تا آدمی را بیاموزاند.

وحی، «بیان» بود، و سخن و سیره معصومان - که همانا پاکان و باورمندان است - مستند به «تبیین» آن. و چنین شد که هرچند عصر «بیان» کوتاه بود، دوره «تبیین»، که اصالتاً عصر معصومان را در برداشت، به دلالت و امر همانان، با روزگار ما و تا روز بازپسین ادامه خواهد داشت.

تلاش‌ها و تلاش‌های فکری - فرهنگی دانشیان مسلمان از این رهگذر که نشان از علم‌جویی و حقیقت‌طلبی آنان دارد، بسیار ارزشمند است، و از آن رهگذر که نشانگر امتداد عنصر تبیین است، بسیار مقدس؛ چه، براین باور، تبیین - و به دیگر سخن، پژوهش - چشم‌کردن توتیای غباری است که از کوی معصومان برخاسته و در فضای فرهنگی مسلمین پراکنده شده است.

«مرکز مطالعات اسلامی» وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شعبه اصفهان، بر همین پایه و همگام با دیگر مراکز پژوهشی ایران اسلامی، سلسله‌ای از طرح‌های پژوهشی را به اجرا گذاشته است - این نای بیشتر دانش‌مایه مسلمین بکوشد و در این راه پرشکوه سهمی فراخ دارد آورد. آنچه هم‌اکنون در قالب این دفتر فراروی خواننده ارجمند گسوده است یکی از ثمرات آن کوشش است؛ و امید تا قبول نظر مردم صاحب‌نظر شود.

فریبرز راهدان‌مفرد

رئیس مرکز مطالعات اسلامی اصفهان

پیشگفتار

۱- نیهیلیسم، با تمام ویژگی‌ها و گونه‌های متفاوتش، یک واقعیت تاریخی است. این جمله را می‌توان مدخل مناسبی برای پژوهش پیرامون بحث نیهیلیسم تلقی کرد. مهم‌ترین مضمون گنجانیده در این جمله، عبارت از تاریخی بودن نیهیلیسم است. نیهیلیسم یک مفهوم ناب از جدایی مفاهیم متافیزیکی نیست که با صرف اندیشه و تأمل عقلانی محض بتوان به آن رسید و پودش را از هم بازشناخت و به چستی و خاستگاهش رسید. اگر از منظر سنتی به آن نظر افکنیم، نیهیلیسم یک «حقیقت» نیست که جنبه متافیزیکی اش امکان تحقیق فرا تاریخی را درباره‌ی آن روا سازد. همان‌گونه که می‌دانیم، مفاهیمی چون خود مفهوم حقیقت، مفهوم خدا یا مفهوم وجود در فاسفه‌های سنتی به عنوان مفاهیمی غیرتاریخی مورد تأمل عقلانی قرار می‌گیرند؛ بدین معنا که تحقیق درباره‌ی آنها، بنابر ادعا، منوط به بررسی سیر تاریخی شکل‌گیری‌شان و ملاحظه‌ی تلقی‌های گوناگونی که از آنها شده و نیز تأثیر امور بیرونی، مانند تأثیر مسایل اجتماعی و سیاسی، در ظهور و روندشان نیست؛ هرچند به نظر می‌رسد که می‌توان و باید چنین تحقیقاتی را هم درباره‌ی آنها به عمل آورد. با توجه به این که تفاوت میان حقیقت و واقعیت در نظام‌های فلسفی مدرن، و نه معاصر، هم تا اندازه‌ی زیادی — هرچند به گونه‌ای متفاوت از دیدگاه سنتی — پذیرفته شده است، می‌توان

گفت که مطابق اندیشه‌ی مدرن هم، نیهیلیسم یک حقیقت ناب ذهنی نیست، بلکه دقیقاً یک «پدیده» است که در بستر تاریخ ظهور یافته و پرورده شده است. نتیجه‌ی ساده‌ای که می‌توان از این مقدمه‌ی کوتاه برگرفت این است که، چه از منظر سنتی و چه از منظر مدرن، هر پژوهشی که بخواهد سرشت پدیده‌ای چون نیهیلیسم را به خوبی شرح داد و با شاید راه‌کاری برای پایداری در برابر آن یا حتی چیرگی بر آن پیش‌نهاد کند، گریزی از نگاه تاریخی بدان ندارد. نگاه ذهنی و تحلیلی صرف نیهیلیسم، دقیقاً دور شدن از سرشت آن را در پی خواهد داشت و هیچ بررسی و آنهایی که این گونه به پیشوازش می‌روند نخواهد داد.

۲- نیهیلیسم به عنوان امر تاریخی و نام‌نشان‌دار برای نخستین بار در جغرافیای فکری و فرهنگی اروپا ظهور یافته است. تاریخ تمدن غربی، چه در پهنه‌ی رخدادهای اجتماعی و سیاسی و چه در پهنه‌ی اندیشه‌ها و جلوه‌های فرهنگی، به طور عام، بسیار پرفراز و نشیب بوده است. زندگی انسان غربی همواره خود را در پیسگاه رخدادهایی دیده که با رخدادهای دیگر زندگی‌اش، متفاوت بلکه متضاد به نظر می‌رسد و این تفاوت‌ها و تضادها، که برآمده از حرکت آگاهی و لذا حرکت فرهنگ بوده‌اند روح او را پرسش‌گر کرده‌اند. انسان یونانی عصر هومری و پیشاهومری، به روایت /یلیاد و /ادیسه، تصویری از مرگ و زندگی و کیفیت ارتباط با خدایان و اموری از این دست داشته که انسان عصر سیطره‌ی فلسفه‌ی افلاطون و ارسطو به هیچ عنوان آن را

بر نمی‌تاییده است؛ فرهنگ مسیحی رنسانسی در اخلاقیات و باورهای دینی پدید آورد که فرهنگ یونانی و رومی، آنان را ضد اخلاق و ضد دیانت بر می‌شمرد؛ رنسانس مدرن حتی جای خورشید و زمین اندیشه را هم تغییر می‌دهد و این روند همواره ادامه داشته است؛ اندیشه در حال حرکت، به خود بازمی‌گردد و گام‌هایی را که برداشته و گام‌هایی را که برنداشته یا آنهایی را که بر جای سست نهاده در آیین‌های خویش می‌نگرد و در همین مسیر، اگر صادقانه بنگرد، با شکاف و چالش روبه‌رو می‌شود.

سرمات این مسیر و سرشت خود چالش و شکاف در زندگی آدمی، آرام آرام به بررسی بنیادی تبدیل می‌شود. بدین ترتیب اندیشمندانی در کار بررسی سرشت زندگی و فراز و فرود آن می‌شوند و به‌طور طبیعی در پاسخ به پرسش‌های مرتبط با آن، گرایش‌های گوناگونی پدید می‌آید که مکاتب گوناگون فکری را به بار می‌آورد. درک ژرف فیلسوفان از شکاف‌های موجود در زندگی آدمی و پرسش‌های بنیادینی که بر می‌انگیختند، موجب شده تا هیچ‌گاه رویکردی یگانه و ثابت سرنوشت مباحث فکری را به‌طور مطلق در عنوان خودش نگیرد. پارمنیدس، هراکلیتوس، هومر، افلاطون، گریاس، ارسطو، و مانند آنها، همواره در نسبت با هم زیسته‌اند و هیچ‌کدام جزیره‌ای سرگردان نبوده است و این یعنی حرکت مداوم و فراز و نشیب شدیدتر.

جنبش رنسانس و آغاز تحولات گسترده‌ی علمی و فلسفی یکی از مهم‌ترین صحنه‌های این روند است که تأثیری ویژه بر سرگذشت

اندیشه‌ی فلسفی پیرامون چیستی انسان، سرشت زندگی‌اش و بنیاد و چهارچوب اخلاقی رفتارهایش داشته است. دقیقاً در راستای همین تحولات است که طی چند سده، نگرش‌های نقّادانه علیه ارزش ارزش‌های اخلاقی، به ویژه روایت مسیحی آن، رشد چشمگیر یافت، و در ادامه، با بن‌فکنی باور به معناداری ارزش‌های اخلاقی و معناداری کلاً زندگی، پدیده‌ای سربرآورد که نام نیهیلیسم را به خود گرفت. این که حرکت تاریخی آگاهی در مقطعی به نیهیلیسم انجامیده، روشن و قطعی است ولی نباید که این نتیجه‌ی اصلی این حرکت چونان تقدیرش نیهیلیسم بوده، یا این سخن که، نیهیلیسم سرنوشت اندیشه‌ی سنجش‌گر عقلانی است و تنها موارد آر است، نادرست به نظر می‌رسد. زیرا این مادر، هزار کودک زاییده و اکنون هم هزار راه نرفته دارد. نیهیلیسم فقط یک پدیده‌ی تاریخی است مانند هر رخداد تاریخی دیگر، با پنهان و ژرفای مخصوص به خود که البته ابداً هم که بماند نیست.

۳- نیهیلیسم در برهه‌ای از تاریخ تمدن اروپا، یعنی تقریباً سراسر نیمه‌ی نخست سده‌ی بیستم، آن‌چنان حامیان و نه‌اندکنانی میان اندیشمندان و حتی توده‌های مردم یافت که مبدل به مهم‌ترین شاخص فکری زمانه گردید و بر این پایه می‌توان از کل آن برهه با عنوان «دوران نیهیلیسم» یاد کرد. پس از آن، آرام آرام این بحران بزرگ سپری گردید؛ تا آنجا که امروزه نیهیلیسم، به شکل پیشین، یک بحران برای تمدن غربی محسوب نمی‌شود. این بدان معنا نیست که فرهنگ معاصر غربی هیچ وصف مهم نیهیلیستیک ندارد؛ خیر، نیهیلیسم در

دوران معاصر وجوه پیچیده‌تری هم یافته است و حتی شکل‌ها و دامنه‌های جدیدی نیز پیدا کرده است. امروزه، در کنار نیهیلیسم اخلاقی و نیهیلیسم سیاسی، که تا پیش از دوران معاصر شاید تنها گونه‌ی رایج نیهیلیسم قلمداد می‌شد، نیهیلیسم متافیزیکی (در پهنه‌ی فلسفه‌ی تحلیلی)، نیهیلیسم جزء و کلی^۱ (در پهنه‌ی فلسفه‌ی زبان)، نیهیلیسم ادبی، نیهیلیسم اداری،^۲ نیهیلیسم نژادی^۳ و نیهیلیسم پزشکی^۴ نیز ظهور کرده‌اند. ولی تجربه‌ی دوران ویرانگر نیهیلیسم در نیمه‌ی نخست سده‌ی بیستم، از یک سر مخالفان نیهیلیسم را بسیار تقویت نمود تا راه‌کارهای پایاتری در قبال آن اتخاذ نمایند، و از سوی دیگر، حتی خود قائلان به نیهیلیسم را هم به سمت تقویت برپایی از آن کشاند که در پهنه‌ی نظم اجتماعی و اخلاقی عمومی مخاطرات کم- یا دست‌کم کنترل‌شده‌تری داشته باشد. برای نمونه نیهیلیسم پُست‌مدرن، آن‌گونه که خواهیم دید، می‌کوشد تا با خودداری از آنارشیسم و پوچ‌گرایی ارزش اخلاق سنتی و مدرن و مبنای آن را از بن بیافکند؛ به همین دلیل، قائلان به نیهیلیسم پُست‌مدرن، از آن به یک نیهیلیسم پرورده می‌نویسند یا می‌کنند، درحالی‌که نقدهای متعددی به همین شکل از نیهیلیسم هم مطرح است.

۴- ساختار حرکت آگاهی تاریخی در جامعه‌ی ایران: ابعاد تناظر یک به یکی با ساختار حرکت آگاهی در جهان به اصطلاح غائب ندارد.

1. mereological nihilism.

2. administrative nihilism.

3. racial nihilism.

4. medical nihilism.

هرچند هم تناظرها و هم تداخل‌های مهمی با آن دارد. در مورد نیهیلیسم تنها در سده‌ی اخیر است که با نام آن یا ایده‌هایی چشم‌گیر مبنی بر بی‌ارزشی و بی‌معنایی اخلاق و زندگی آدمی روبه‌رو هستیم، ولی همین موارد هم عمدتاً ویژگی ترجمه‌ای دارند. البته امروزه برخی از فست‌ترین، اندیشه‌های اندیشمندی چون خیام را پیش‌گام اندیشه‌های نیهیلیسم می‌کنند یا برای نمونه، اندیشه‌های شاعرانه‌ی وی را با اندیشه‌های فیلسوف نیهیلیست و بدبین مشهور آلمانی ماکس اشتیرنر^۱ مقایسه می‌کنند. اما بی‌گمان نگارنده، چنین نسبت‌سنجی‌هایی برخاسته از تفسیر غلط تاریخی اندیشه‌های خیام و مانند اوست و تنها با نادیده گرفتن زمینه و بستر واقعی زندگی و اندیشه‌های خیام پذیرفتنی است. این‌که شعر خیام در نسبت با اندیشه‌ی رسمی فرهنگ ایرانی در زمان خودش، بیان‌گر اندیشه‌هایی متفاوت پیرامون انسان و زندگی او بوده است و این‌که اگر برخی از اندیشه‌های او به‌شماره‌ای دست‌گاه‌مند بی‌گرفته شوند چه‌بسا ایده‌های نیهیلیستی پدید آید. بی‌تواند دال بر این باشد که اندیشه‌ی خود خیام نیهیلیستی بوده است.

گفتیم که در ایران معاصر، مبحث نیهیلیسم به صورت نظری مورد توجه قرار گرفته است، هرچند این توجه تا اندازه‌ای ویژگی ترجمه‌ای

1. Max Stirner

۲. برای نمونه نک به:

Ibrahim Türkdoğan, Omar Khayyam and Max Stirner, Translated by Ulrike Hirschhäuser.

داشته است. اندیشمندان ایرانی از راه خواندن آثار برخی از نویسندگان و فیلسوفان متعلق به جریان‌های نیهیلیستیک اروپایی، با نیهیلیسم آشنا شدند. زاویه‌ی دید این آشنایی‌ها را نیز می‌توان تنها به دو دسته‌ی کلی تقسیم کرده و محدود دانست. نخست، گروهی از نویسندگان و در رأس آنها صادق هدایت، از راه مطالعه و سپس ترجمه‌ی آثار کافکا و ژان پل سارتر با نیهیلیسم پوچ‌گرایانه‌ی رایج در نیمه‌ی نخست سده‌ی بیستم آشنا شدند. این جریان با تألیف‌ها و ترجمه‌هایی در این پهنه به طور جدی ادامه یافت، و در ادامه، با گرایش‌های سوسیالیستی هم پیوند یافت. ناکامی و حسرت در تحقق برخی ایده‌های سوسیالیستی حتی موجب تشدید احساس پوچی در اندیشمندان پیرو این جریان و جوانانی که آثار آنها را می‌خواندند گردید. در دهه‌های پیش از انقلاب، خواندن آثار کافکا، سارتر، ساموئل بکت، نسبتاً بخشی از ویژگی‌های نانوشته‌ی تیپ روشن‌فکرانه‌ی جامعه‌ی ایرانی به شمار می‌آمده است.

رویکرد دومی که ایرانیان نسبت به نیهیلیسم داشته‌اند، با نظر به معرفی نیچه و هیدگر از آن بوده است. محمد باقر میرییار، در دهه‌ی سی، بخش کوچکی از کتاب *اراده به قدرت* نیچه را با عنوان *نیهیلیسم اروپایی* ترجمه کرد؛ محمود هومن هم به دست‌یاری جلال آل‌احمد کتاب *عبور از خط را* از ارنست یونگر هیدگری ترجمه کرد تا پس از آن، تعدادی از نواندیشان به گرد احمد فرید جمع آمده و نیهیلیسم را به روایت هیدگر و نیچه شناخته و برای ما روایت کنند. ایده‌ی اصلی این دسته از نویسندگان این است که نیهیلیسم، تقدیر و سرنوشت تفکر

تکنیکی و منطق‌مدار متافیزیک است و می‌توان تمام دوران متافیزیک را، از پارمنیدس و افلاطون به بعد، دوران نیهیلیسم خواند. از مهم‌ترین نمایندگان مکتوب این جریان، کتاب *آسیا* در برابر غرب نوشته‌ی داریوش شایگان است که متأثر از احمد فردید در دهه‌ی چهل، به توضیح نیهیلیسم اروپایی از این زاویه‌ی دید پرداخته است. البته شایگان بعدها با تألیف کتابی با عنوان *افسون زدگی جدید، هویت چهل‌نگه و تفکر سیار* از ایده‌های پیشین‌اش دست‌شست.

در راستای همین جریان، ادبیات پژوهشی ما در حوزه‌ی نیهیلیسم محدود می‌شود. نوشته‌ها و سخنرانی‌های کوتاهی که بیشتر آنها چندان ویژگی پژوهشی ندارد، همچنین یادداشت‌هایی کوتاه از علی غفوری و ترجمه‌ای از شرح کوه‌هیدگر، امیل کترینگ و دیوید فارل کرل بر بخش نیهیلیسم اروپایی در کتاب *اراده به قدرت* نیچه؛ و اخیراً نیز ترجمه‌ای بسیار بد از کتاب *پایان مدرنیته*، به قلم فیلسوف ایتالیایی جانی واتیمو که فصل‌هایی از آن، به تشریح نیهیلیسم باز هم از زاویه‌ی دید هیدگر و نیچه، اختصاص دارد.^۱

همان‌گونه که در متن پژوهش حاضر خواهیم دید، هرچند نیچه به روایت هیدگر و نیچه از نیهیلیسم ضروری است، ولی بسندگی دادن، آن هم بر پایه‌ی برداشتی نه چندان دقیق از خود این روایت، موجب بدفهمی جدی ما از نیهیلیسم خواهد شد؛ زیرا این یک جانبداری، اولاً روایت‌های دیگر از سرشت نیهیلیسم را که بر پایه‌ی دیدگاه‌های دیگر

۱. در این چند سال اخیر که از نگاشتن این سطور گذشته چند اثر دیگر هم تألیف یا ترجمه شده است.

مطرح شده‌اند از نظر ما دور می‌سازد، و دوم این‌که موجب می‌شود تا نتوانیم متوجه بُعد بسیار جدی نیهیلیستی موجود در اندیشه‌ی خود هیدگر و نیچه شویم. این مطلب اخیر، با توجه به اقبال گاهی احساساتی و بی‌بنیان رایج در جامعه‌ی ما به اندیشه‌های این دو اندیشمند بزرگ، می‌تواند بسیار پر مخاطره، حساس و مسئولیت‌برانگیز باشد. به هر ترتیب، ادبیات علمی ما در پهنه‌ی نیهیلیسم، هنوز چندان قوی نیست. البته نباید از نظر انداخت که مجموع دقت‌ها و نظروزی‌های نیهیلیست‌ها و اندیشمندان ما در این چند دهه‌ی اخیر بسیار مغشای شده و بارها برای ما تازه‌کاران هموار کرده است.

۵- گفتیم که ظاهر را در سطح عمومی فرهنگ ایرانی با بحرانی به نام نیهیلیسم روبه‌رو نبوده است، ولی لزوماً چنین نمی‌ماند. به نظر می‌رسد که زندگی اخلاقی فرهنگ ما به تقویر می‌رود، و بیش از همه به دلیل نبود نظریه‌پردازی اخلاقی، یعنی تخریق خلاقانه درباره‌ی مبنا و مسیر اخلاق، و به دلیل سردرگمی آگاهی ایران. درباره‌ی سرشت رفتارهایش و دل‌خوشی به تأیید رفتارهایش از سوی خودش، چه با دست‌خوش بحران جدی گردد؛ بحرانی که آرام آرام از سطح این یا آن ارزش اخلاقی فراتر رفته و قلمرو ارزش‌ها و معنادار ارزش‌ها را درنوردد؛ نیهیلیسم.

ولی نیهیلیسم چیست؟ مبادی آن کدامند؟ چه بسترهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی بدان دامن می‌زنند؟ روحیه‌ی چیره در آن چیست؟ چیستند راه‌کارهایی که تا کنون در قبال آن اتخاذ شده است؟ یافتن

پاسخ‌هایی برای این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگری از این دست، انگیزه‌ی فرعی پژوهش حاضر است تا در نهایت و به عنوان انگیزه‌ی اصلی، گام‌هایی مقدماتی از پس گام‌های مهم دیگران در راه پر سنگلاخ آشنایی با جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، از حیث نسبتی که میان اخلاق و واقعیت نیهیلیسم وجود دارد، برداشته شود. با توجه به آنکه نیهیلیسمی که در مسیر پژوهش درباره‌ی مسئله‌ی نیهیلیسم برایم گشوده شده، با توجه به آگاهی نسبی‌ام از مباحث متعددی که در این پهنه وجود دارد، هنوز ندان‌ها نقبی نزده‌ام، باورِ راسخ دارم که این پژوهش را باید صرفاً مداخله‌ای در بحث دانست و در نگاه بدان، می‌باید بی‌هیچ تعارفی کمبودهایی را که، بودا به توانایی‌های نگارنده و امکانات اوست در نظر داشت.

۶ - ساختار کلی پژوهش بدن صورت است که فصل نخست به بیان کلیات بحث اختصاص دارد. در این فصل، پس از ارایه‌ی شمایی کلی از بحث، فراروند ظهور مفهوم نیهیلیسم و جایگاه آن در فرهنگ مباحث فکری، به طور مفصل، از نظر گذرانده می‌شود. این گام، نخست این‌که به ما نشان می‌دهد که وصف محوری در مفهوم نیهیلیسم چیست؛ وصفی که به کاربردهای گوناگون این مفهوم در طول تاریخ، معنا و جهت داده است. دوم این‌که روشن می‌کند که پیش‌زمینه‌های اصلی آن‌چه که از پایان سده‌ی نوزدهم به بعد با عنوان نیهیلیسم تقرّر یافته چه بوده است. همچنین در پایان این فصل، تعاریف و نظرات کلی راجع به

این مفهوم طرح می‌شود و سپس پهنه‌ی دقیق بحث روشن می‌شود.

فصل دوم، پس از بیان تفسیر نیچه از نیهیلیسم اروپایی، پیش‌گامی فلسفه‌ی او را در نیهیلیسم و به طور خاص‌تر نیهیلیسم اخلاقی جدیدی که پس از او به وجود آمد، به تصویر کشیده و نشان می‌دهد که اندیشه‌های او چه وجوه ویژه‌ای داشت که به تنهایی می‌توانست در شکل‌گیری گونه‌های گوناگون نیهیلیسم در آینده مؤثر افتد. در واقع، حتی این فصل با تمیز دو معنای نیهیلیسم نزد نیچه، هم‌هنگام، نقدی به روایت‌هایی از نیهیلیسم در ایران است که وجه نیهیلیستی خود اندیشه‌ی نیچه را نادیده می‌گیرند. فصل سوم، تحلیلی از گزارش رمان‌نویسان و داستان‌نویسان بزرگ روسی و فرانسوی از نیهیلیسم اخلاقی به دست می‌دهد که فعالیت‌شان تأثیر به‌سزایی در توده‌ای شدن ایده‌های نیهیلیستیک داشت و منجر به ورانی گردید که به عصر پوچی شهرت یافت.

گفتیم که نیهیلیسم در دوران معاصر، معنی عصر پُست‌مدرن، صورت پوچ‌گرایانه ندارد؛ هرچند از جهت دیگر، شکل پدیدتاری یافته است. فصل چهارم این پژوهش، پی‌گیری وضعیت و بنیاد این جنبه‌ی معاصر از نیهیلیسم اخلاقی است. فصل پنجم، با مرور بزرگ‌ترین دست‌آورد های اخلاقی در تمدن اروپایی، مهم‌ترین دستاویز آنها را برای جلوگیری از بی‌ارزش شدن ارزش‌ها جستجو می‌کند. توضیح این نکته ضروری است که غیر از مخالفان آشکار ایده‌های نیهیلیستیک، برخی از طراحان و مروجان نیهیلیسم، مانند سارتر یا کامو هم در قبال نیهیلیسمی که خود

گسترشش داده‌اند، از راهکارهایی سخن گفته‌اند که بر پایه‌ی آنها می‌توان به شکلی از مخاطرات نیهیلیسم کاست یا دست‌کم از اسارت آن درآمد و بر روی آن موج‌سواری کرد. نظر به این‌که توضیح این راهکارها نیازمند توجه خواننده به مبانی اندیشه‌ی آنها است، این راهکارها را به منظور خودداری از تکرار آن مبانی، بی‌درنگ پس از بیان نظریات این اندیشمندان آورده‌ایم و در فصل مربوط به راهکارهای پایه‌ای در قبال نیهیلیسم، دیگر از آنها سخنی به میان نیاورده‌ایم. پس می‌توان گفت که راهکارهای همان‌ند که با نیهیلیسم در قبال نیهیلیسم در فصل‌های دو تا چهار و راهکارهای غیرهمدلانه با نیهیلیسم علیه نیهیلیسم در فصل پنجم آمده است.

فصل پایانی هم با مروری کوتاه به سیر بحث از آغاز تا پایان، نتیجه‌گیری‌های چندی به دست می‌آید.

افزوده

این کتاب سرگذشت جالبی دارد. ماجرا از این قرار است که این کتاب تقریباً به همین صورتی که اکنون در برابر خود می‌بینید چند سال پیش هنگامی که دانشجوی کارشناسی ارشد بودم نگاشته شده است. بنا بود که همان زمان منتشر شود ولی همراه با چند کتاب از پژوهشگران دیگر به دلایل مشکلات اداری منتشر نشد. در این سال‌ها هزارچندگاهی دستی به برخی از بخش‌های آن زده‌ام ولی هیچ‌گاه فرصت تغییر اساسی آن را نداشته‌ام زیرا چنین کاری را به زمانی موکول می‌کردم که بنای

چاپ آن باشد. تا این که حدود یک ماه مانده به چاپ اثر با من تماس گرفتند و گفتند که بنا دارند بی درنگ آثار پیشین را منتشر کنند. با توجه به عجله‌ای که برای چاپ داشتند، باز محبت کردند و دو سه هفته‌ای به من فرصت دادند تا نگاهی دوباره بدان ببینم. در این فرصت کوتاه البته هیچ کار مهمی جز رفع برخی عیوب ظاهری شدنی نشد؛ باری، پس از مشورت با دوستان به این نتیجه رسیدیم که کتاب به همین صورت فعلی چاپ شود زیرا در مجموع از سویی خودم به کلیات آن همچنان بسیار ابرارم و ساختار آن را از جهاتی همچنان سودمند می‌پندارم. از سویی دیگر اگر بخواهم خرسندی کنونی خودم را مطابق اقتضائات اکنون برآورده‌م، مازم به طور طبیعی کار دیگری را از پی خواهم گرفت چرا که هیچ‌کس نمی‌توانم کاری را مجدداً به همان صورت پیشین انجام دهیم؛ مگر می‌توان -دوبار به یک گونه پای در رودخانه‌ای گذاشت و همان آب پیشین را چشید؟ در هر صورت از مدیران محترم مرکز مطالعات اسلامی اصفهان بسیار سپاسگزارم به مقدمات انتشار این نوشته را فراهم کرده‌اند.